

## مشارکت در حفاظت از محیط زیست از منظر حقوق بین‌المللی محیط زیست و حقوق داخلی

جمعه علی حقانی<sup>۱\*</sup> عبدالقدیم سعیدی<sup>۲\*\*</sup>

۱- عضو کادر علمی دانشکده حقوق، دانشگاه کاتب

۲- محصل ماستری رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه کاتب

### چکیده

بدون شک، محیط زیست نقش بسیار موثر و حیاتی در زندگی و بقای بشر دارد و به همین خاطر است که حفاظت از محیط زیست، به یک دغدغه جدی برای بشر امروز تبدیل شده است. بررسی مشارکت در حفاظت از محیط زیست از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست و نظام حقوقی افغانستان، مسئله اصلی این پژوهش است که نگارندگان این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای - اسنادی به بررسی این مهم پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق بیانگر این است که از منظر اسناد بین‌الملل و نظام حقوقی افغانستان، شیوه‌های مختلفی برای مشارکت در حفاظت از محیط زیست پیش‌بینی شده است که عبارتند از: مشارکت دولت‌ها در امر تدوین قوانین، مشارکت دولت‌ها در امر اطلاع‌دهی، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، مشارکت دولت و مردم در حفاظت، حمایت و توسعه محیط زیست، مشارکت دولت‌ها در انتقال علوم و فن‌آوری، مشارکت مالی کشورهای توسعه‌یافته در جهت بهبود در محیط زیست در کشورهای در حال توسعه، مشارکت مردم در برخورداری از جبران خسارت و توسل به مراجع قضایی، مشارکت سازمان‌های عمومی و گروه‌ها در حفاظت از محیط زیست که حقوق بین‌الملل محیط زیست و نظام حقوقی افغانستان در بسیاری از موارد یاد شده مشترک هستند و در برخی موارد نیز، تفاوت دارند.

**کلید واژه‌ها:** محیط زیست، مشارکت، تدوین و توسعه قوانین، اطلاع‌دهی، جبران خسارت

### مقدمه

محیط زیست یک عطیه الهی بوده که انسان از بدو پیدایش تا کنون در بطن آن پرورش یافته و زندگی وی در بستر آن استمرار داشته است. بدیهی است هدف از خلقت و پیدایش محیط زیست تنها ایجاد مکانی برای استقرار بشر نبوده؛ بلکه منشاء بقا و دوام حیات بشریت بوده که انسان با استفاده از آن بتواند نیازمندی‌های اولیه بشری خود را مرفوع نموده و به حیات خویش ادامه دهد. این انسان با استفاده از طبیعت بتواند خوراک و پوشاک و سایر نیازهای خود را بر آورده ساخته و با تفکر، تعقل و دانش، منابع طبیعی را کشف و استخراج نموده و در راستای بقای حیات خویش بکار گیرد.

حفاظت از محیط زیست از سال ۱۹۷۲م با برگزاری کنفرانس استکهلم به صورت جدی مورد توجه دولت‌ها قرار گرفته و تاکنون کنفرانس‌های متعدد و مختلفی از قبیل کنفرانس ریو ۱۹۹۲، نشست سران زمین ۵+۱۹۹۷، اجلاس جهانی توسعه پایدار ۲۰۰۲، ریو ۲۰+ در سال ۲۰۱۲، استکهلم ۵۰+ در سال ۲۰۲۲ به این منظور برگزار گردیده است که برآیند آن‌ها، اعلامیه‌ها، دستور کار و حتی کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست محیطی بوده است. در این نشست‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی همواره از دولت‌ها خواسته شده است تا در راستای حفاظت از محیط زیست باید با یکدیگر همکاری نموده و مشارکت فعال داشته باشند. حالا مسأله اینست که مشارکت صرفاً مختص دولت‌ها می‌باشد یا اینکه اشخاص دیگر نیز می‌توانند در این روند با دولت‌ها همکاری و مشارکت داشته باشند. همچنان اینکه زمینه‌های مشارکت در حفاظت از محیط زیست کدامند و در کدام موارد دولت‌ها و نهادهای مرتبط باید با یکدیگر مشارکت داشته باشند؟ آیا مشارکت تنها در سطح بین‌المللی مطرح است یا مشارکت در سطح ملی نیز می‌تواند در حفاظت از محیط زیست نقش داشته باشد؟ آیا در قوانین داخلی افغانستان مشارکت در حفاظت از محیط زیست مطمح نظر بوده است یا خیر؟ از آنجا که اصل مشارکت در حقوق بین‌الملل محیط زیست از اصول اساسی بوده و از اهمیت و جایگاه مهمی برخوردار است، لذا نیاز است تا اشخاص دارنده حق مشارکت و همچنان زمینه‌های مشارکت در سطح ملی و بین‌المللی در روند حفاظت از محیط زیست به صورت واضح و دقیق بیان گردد. به همین منظور تحقیق کنونی به بررسی اصل مشارکت و اشخاص دارنده حق مشارکت در حفاظت از محیط زیست در کنار دولت‌ها و همچنان به بررسی زمینه‌های مشارکت در سطح ملی و بین‌المللی و جایگاه آن در قوانین داخلی افغانستان پرداخته است.

### مفهوم حفاظت

حفاظت به هرگونه عملیاتی که برای نگهداری محیط زیست یا جلوگیری از تخریب آن صورت می‌گیرد، گفته می‌شود. حفاظت از محیط زیست، عبارت است از تلاشی که به منظور حفظ سلامتی محیط و انسان، در سطوح شخصی، سازمانی، یا دولتی صورت گرفته و از محیط طبیعی محافظت می‌کند و تعریفی که از توسعه پایدار به دست آمده ما را به مفهوم حفاظت از محیط زیست هدایت می‌کند، در

این معنی حفاظت عبارت است از مدیریت مصرف انسان از بیوسفر<sup>۱</sup> و اکوسفر<sup>۲</sup> به گونه‌ای که با استفاده از مناسب‌ترین روش‌های بهره‌برداری از منابع کره زمین، بر اساس ظرفیت قابل تحمل محیط، پانسیل این منابع برای تأمین نیازهای نسل‌های آینده نیز محفوظ بماند. به تعبیر دیگر می‌توان حفظ محیط زیست را تنظیم روابط بین انسان و اکوسفر (زیست‌سپهر) دانست به نحوی که منجر به تعادلی پویا و دایمی بین آن‌ها گردد. براساس این تعریف، حفاظت از محیط زیست بدون نفی بهره‌برداری از منابع زمین در جهت توسعه، کوششی است برای رشد و بهره‌مندی خردمندان و پایدار از این منابع با شرط تضمین بقای آن‌ها برای نسل‌های آینده (دفتر آموزشی و مشارکت مردمی، ۱۳۹۹: ۱۴).

### مفهوم محیط زیست

از محیط زیست دو گونه تعریف می‌توان ارائه کرد؛ یکی تعریف عام و لغوی و دیگری تعریفی که در منابع حقوقی مطرح گردیده است. در یک بیان عام، محیط زیست عبارت است از تمام سیستم‌ها فیزیکی و بیولوژیکی بیرون که در آن انسان و دیگر ارگانیسم‌ها زندگی می‌کنند. (UNEP, p. 3) در بیان دیگر، محیط زیست خانه‌ای است که در زمین برای موجودات زنده ساخته شده است. یا به عبارت دیگر؛ موقعیت‌ها، شرایط و اشیایی که یک شخص را احاطه کرده است. تعاریف متذکره یک معنای خیلی عام از محیط زیست ارائه می‌دهد. این تعاریف با تعریفی که یونسکو (UNESCO) از محیط زیست ارائه نموده، مطابق دارد و آن عبارت است از: محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر حیات در آن استمرار دارد (عباس، ۱۳۹۶، ص. ۱). همچنان محیط زیست عبارت است از آنچه که فرآیند زیستن را احاطه کرده، آن را در خود فرو گرفته و با آن در کنش متقابل قرار دارد. به بیان دیگر، محیط زیست را می‌توان مجموع عوامل جاندار و بی‌جان دانست که در یک فضای مشخص و در زمانی معین موجود زنده را تحت تأثیر قرار می‌دهند (یوسفی، ۱۳۹۴: ۱).

از محیط زیست تعاریف مختلف و گوناگونی در متون حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی ارائه شده است. از آن جمله متن مصوب شورای حقوقی جامعه اقتصادی اروپا در تاریخ ۲۷ جون ۱۳۶۷ می‌باشد که در تعریف محیط زیست می‌گوید: « محیط زیست شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می‌گردد.» (Council Directive, 1967) یک حقوقدان هندی در تفسیر ماده ۴۸۸ قانون حفاظت از محیط زیست هندوستان از واژه محیط زیست چنین تعریف می‌کند: « محیط زیست شامل مجموعه‌ای از به پیوستگی عوامل بیرونی است که رشد و حیات موجودات زنده انسان و جانوری و گیاهی متأثر از آن است، می‌گردد.» (کیس، ۱۳۹۲: ۶) با قبول این نظریه اعلامیه کنفرانس ملل متحد در باره محیط (۱۹۷۲) اعلام می‌دارد: «انسان مخلوق و شکل دهنده محیط زیست خود است،

<sup>۱</sup> زیست‌کره یا به انگلیسی: (Biosphere) به آن بخش یا لایه از کره زمین گفته می‌شود که در آن زندگی وجود دارد. این لایه زیستگاه انسان و دیگر موجودات زنده همچون پرندگان، ماهیان یا سازواره‌ها و موجودات خاک‌زی است و تا لایه‌های زیرین از زمین که ریشه درختان و دیگر جانداران نفوذ می‌کند، ادامه دارد.

<sup>۲</sup> بوم‌سپهر (ecosphere) جو و اقیانوس‌ها و زیست‌کره و بخش رویی پوسته زمین را می‌گویند که در برهم‌کنش‌های پیچیده بوم‌شناختی دخالت دارند. در ستاره‌شناسی، بوم‌سپهر محدوده‌ای تصور شده از فضای پیرامون ستاره‌ها است که در آن‌ها ممکن است شرایط برای وجود زیست مناسب باشد.

محیطی که بقای فیزیکی او را تضمین نموده و به وی فرصتی را برای رشد فکری، اخلاقی، اجتماعی و روحی فراهم می‌سازد.» (عباس، ۱۳۹۶، ص. ۲۸). اشاره به این نکته که «انسان مخلوق و شکل دهنده محیط زیست خود است» به این معنا است که محیط زیستی که به دست انسان ساخته شده نیز، باید مورد توجه قرار گیرد، به گونه‌ای که آن را باید بخشی یا دست کم جزء اصلی محیط زیست طبیعی به حساب آورد (کیس، ۱۳۹۲: ۶). استفاده از واژه مخلوق که در متن اصلی (انگلیسی) اعلامیه Creature ذکر گردیده است گرچند معنی متضاد آنچه هدف است را می‌رساند؛ زیرا هدف از متن اینست که انسان شکل دهنده و ایجاد کننده محیط زیست خویش است در حالی که کلمه مخلوق به معنی خلق شده می‌باشد و این مفهوم را تبیین می‌کند که محیط زیست انسان را بوجود آورده نه انسان محیط زیست خود را؛ اما به هر حال منظور متن بیانیه این بوده که انسان شکل دهنده محیط زیست خویش است و باید به محیط دست ساخته انسان نیز، توجه شود.

تعریف دیگری که با جامعیت بیشتر در باره محیط زیست در کنوانسیون مسؤلیت مدنی خسارات ناشی از اعمال خطرناک در محیط زیست، مورد استفاده قرار گرفته است که طرح پیشنهادی آن را، شورای اروپا که یک سازمان منطقه‌ای در اروپا می‌باشد در تاریخ ۲۱ جون ۱۳۹۳ در لوگانو به تصویب رسانده است بر اساس ماده ۲ کنوانسیون مذکور:

«از نظر این کنوانسیون... محیط زیست، شامل بخش‌های زیر می‌شود:

- منابع طبیعی اعم از تجدید پذیر و غیر قابل تجدید مانند؛ هوا، آب، خاک و کلیه جانوران و گیاهان و تأثیر متقابل این عوامل بر یکدیگر؛
- اموال و دارایی‌های که جزء میراث فرهنگی می‌باشند؛
- و مناظر و چشم اندازهای ویژه؛»

از این رو، محیط زیست ساخت دست بشر شامل بناها، آثار تاریخی، ساختمان‌های گوناگون و یا مناظر و چشم‌اندازهای ویژه نیز بخشی از محیط زیست را تشکیل می‌دهند و باید در برابر برخی خرابی، حفظ و حراست شوند (کیس، ۱۳۹۲: ۷).

ماده قانون حفاظت از محیط زیست هند (۱۹۸۶) محیط زیست را چنین تعریف نموده است: «محیط زیست شامل آب، هوا، و زمین و روابط میان آب، هوا، زمین و انسان، دیگر مخلوقات، گیاهان، موجودات زنده جان و املاک می‌شود.» (عباس، ۱۳۹۶: ۲۹).

از نظر قانون محیط زیست افغانستان، محیط زیست عبارت است از منابع طبیعی، تعاملات بین اجزای منابع طبیعی یا بین اجزای مذکور و انسان‌ها و حیوانات، خواص فیزیکی، فرهنگی، تزئینی، یا شریایی که صحت و سلامت انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (قانون محیط زیست، ۱۳۸۵: ماده ۴، بند ۱).

با توجه به تعریف‌های مختلفی که از محیط زیست در اسناد حقوقی داخلی و بین‌المللی صورت گرفته است هر چند نحوه و ادبیات آن‌ها مختلف بوده؛ اما چند نکته قابل پرداخت می‌باشد:

نکته اول اینکه؛ در تمام تعریف‌های که از محیط زیست صورت گرفت، آب، هوا، خاک، جانوران و گیاهان از عنصر مشترک در تمام تعریف‌های محیط زیست می‌باشد.

نکته دوم اینکه؛ با توجه به متن اعلامیه سازمان ملل متحد در باره محیط زیست (۱۹۷۲) و ماده ۲ کنوانسیون مسؤولیت مدنی خسارات ناشی از اعمال خطرناک در محیط زیست و یک سلسله تعریف‌های دیگر محیط زیست منحصرأ محدود به محیط زیست طبیعی نبوده و محیط زیست ساخته دست انسان را نیز شامل می‌شود؛ بناءً اقتضا دارد تا بحث مختصری در مورد انواع محیط زیست نیز داشته باشیم که در ادامه این مطلب به آن پرداخته می‌شود.

### سیر تحولات حفاظت از محیط زیست

اگر به تاریخ رابطه انسان با طبیعت نگاه کنیم، انسان در ارتباط با طبیعت مسیر مختلفی را طی نموده است. در بدو پیدایش استفاده انسان از طبیعت خیلی گسترده نبوده و تاثیرگذاری انسان بر طبیعت به سان سایر جانوران بود که تاثیر چندانی بر محیط نداشت و بهره برداری انسان از طبیعت به اندازه‌ای بود که به زودترین زمان ممکن بر اثر عملکرد طبیعت قابل ترمیم بود. رفته رفته انسان رمز و راز استفاده از طبیعت را دریافت و بر محیط زیست خویش غلبه کرد، انسان با گذار از مرحله بدوی به اختراع و اکتشافات جدید دست زده و وارد عصر جدید صنعت و تکنالوژی شد. در این مرحله انسان به گونه‌ای که دلش خواست از طبیعت استفاده نمود و در این راستا به یک سلسله پیشرفت‌های تکنالوژیکی، اقتصادی، فرهنگی، مدنی و غیره نیز دست یافت. اگرچه دستیابی انسان به تکنالوژی، صنعت ماشینی، و تأسیس کارخانه‌های کوچک و بزرگ، زندگی را برای انسان‌ها راحت‌تر کرده است؛ اما کشف، استخراج و استفاده بی‌رویه منابع طبیعی، به شدت باعث تخریب محیط زیست گردید. همچنان استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ‌ها استفاده از محیط زیست به عنوان ابزار جنگی، گرم شدن کره زمین، تخریب لایه ازن، تغییرات آب و هوایی، باران‌های اسیدی، انفجار جمعیت، نابودی جنگل‌ها و جانوران، همه و همه به یک فاجعه زیست‌محیطی مبدل شد که علاوه بر تهدید حقوق نسل‌های آینده، باعث آلودگی فراوان آب، خاک، هوا و دریا شده و به شدت موجب تخریب و آلودگی زیست‌محیطی گردید و تأثیرات غیر قابل جبران و غیر قابل بازسازی بر انسان و محیط زیست آن برجا گذاشت.

در برهه‌ای از تاریخ (دهه ۱۹۶۰) بشر به علایم تهدید کننده‌ای که حیات را در این سیاره به خطر انداخته بود، پی برد و دریافت که برای نابودی حیات و زندگی در کره زمین، دیگر احتیاجی به برخورد‌های نظامی و به کارگیری سلاح‌های مخرب و غیر متعارف که آثار تخریبی گسترده دارند، نیست. بلکه اگر شیوه‌های زندگی و روش‌های تولید و مصرف را تغییر ندهند، به همان اندازه یا بیشتر، نابودی را به دنبال خواهد داشت (هرسینی، ۱۳۹۸: ۱۲). در این مرحله انسان متوجه می‌شود که اسباب انقراض‌اش را با دستان خودش فراهم کرده است. اینجاست که فکر رابطه جدید با طبیعت در افکار انسان شکل می‌گیرد، پایه این فکر، این است که مواهب طبیعی مورد استفاده بشر پایان ناپذیر نیست و علاوه بر این، ضایعاتی که بهره برداری بی‌رویه از طبیعت به آن وارد می‌کند می‌تواند حیات نسل حاضر و نسل‌های بعدی را در معرض خطر قرار دهد. بنابر این، اگر از طبیعت بهره برداری می‌کنیم، این بهره برداری باید به گونه‌ای باشد که باعث از میان رفتن این مواهب، نشده و ضامن حفظ آن برای نسل‌های آینده شود.

حفاظت از محیط زیست در سطوح مختلفی از قبیل فردی و مشارکتی، ملی و بین‌المللی می‌تواند صورت گیرد؛ اما حفاظت از محیط زیست تنها به گونه فردی و حتی تنها در سطح ملی کافی نیست و نیاز به مشارکت و همکاری بین‌المللی دارد. تحقیق کنونی نیز تحت عنوان «مشارکت در حفاظت از محیط زیست» با تکیه بر حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق داخلی افغانستان صورت گرفته و به بررسی ابعاد و اشکال حفاظت از محیط زیست می‌پردازد.

## انواع محیط زیست

با توجه به مطالبی که در بالا ذکر گردید محیط زیست به سه نوع تقسیم می‌شود:

۱. محیط زیست طبیعی: تمام عوامل طبیعی که در اطراف ما وجود دارند ولی به وسیله انسان ایجاد نشده‌اند و مورد استفاده انسان قرار می‌گیرند مانند؛ آب، خاک، هوا، گیاهان و جنگل‌های طبیعی، دشت‌ها و دریاها، جانوران و... محیط زیست طبیعی را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، تمامی چشم‌اندازهای طبیعی موجود در جهان محیط زیست طبیعی ما را تشکیل می‌دهند. بناءً محیط زیست طبیعی محیطی است که انسان هیچ‌گونه نقشی در به وجود آوردن آن ندارد. عوامل تشکیل دهنده محیط زیست طبیعی را می‌توان به دو قسمت، عوامل جاندار و بی‌جان تقسیم کرد. عوامل جاندار: عبارتند از حیات وحش و پوشش گیاهی (رویش طبیعی) و عوامل بی‌جان: عبارتند از آب، هوا، خاک. مجموعه عوامل جاندار و بی‌جان، فضای زنده کره خاکی یا بیوسفیر را تشکیل می‌دهند (عباس، ۱۳۹۶: ۲۹).

۲. محیط زیست مصنوعی: تمام چیزهایی که به وسیله انسان ایجاد شده مانند مناطق مسکونی، صنعتی، راه‌ها، جویبارها، و میراث‌های فرهنگی محیط زیست مصنوعی نامیده می‌شوند. محیط زیست مصنوعی یا انسانی یا انسان ساخت، ساخته دست بشر بوده وی با به صورت فاحشی تغییراتی در آن برای اهداف و کاربردهای مورد نیاز خود به وجود آورده است. به عقیده تعدادی از متخصصان محیط زیست، محیط زیست مصنوعی، «محیط زاینده تفکر»، «محیط فرهنگ ساخت» است؛ زیرا پیدایش و وضعیت موجود آن، نتیجه نیروی خلاقیت و تفکر بشر است. بنابر این به‌طور خلاصه می‌توان گفت که شهرها با تمام اجزا، قسمت‌ها و محتوای شان، محیط زیست مصنوعی ما را تشکیل می‌دهند. خانه‌ها، مدارس، کارخانه‌ها، خیابان‌ها، میدان‌های هوایی و مانند اینها اجزای این بُعد از محیط زیست محسوب می‌شوند. علاوه بر این موارد، زباله‌های کنار جاده‌ها، تمیز یا کثیف بودن جویبارهای روان و مانند آنها نیز عناصر تشکیل دهنده این قسمت از محیط زیست هستند. از آنجا که محیط زیست مصنوعی حاصل نحوه تفکر و چگونگی فرهنگ هر جامعه است، بر اساس این شاخص، می‌توان طرز تفکر و کیفیت فرهنگ یک اجتماعی را دریافت (عباس، ۱۳۹۶: ۳۰).

۳. محیط زیست اجتماعی: مقصود از محیط زیست اجتماعی، جامعه‌ای است که بشر در آن زندگی می‌کند؛ و نهادهای اجتماعی که امور گوناگون جامعه را مدیریت می‌نمایند. به عبارت دیگر، این

قسمت از محیط زیست از انسان‌هایی که در کنار و اطراف ما وجود دارند و با ما سر و کار دارند و با آنها روابط متقابل داریم، تشکیل می‌شود. این محیط زیست اجتماعی از خانواده آغاز می‌شود؛ همسایگان، همکاران، رهگذران، فروشندگان و مانند آنها در جامعه شهری و روستایی را در بر می‌گیرد، و گستره آن تا ملت و دولت ادامه می‌یابد.

در کشورهای در حال رشد یا جهان سوم، بیشتر معضلات زیست محیطی، ناشی از محیط اجتماعی است. در ارزیابی کلی از وضعیت زیست محیطی این بخش از جهان، تاثیر پذیری محیط زیست (در مفهوم عام) از محیط اجتماعی به مراتب بیشتر از تاثیرگذاری عوامل فنی - مهندسی محیط زیست است؛ زیرا بیشتر مسایل فنی مانند آلودگی آب و هوا، فرسایش خاک، تخریب پوشش گیاهی ناشی از پاره‌ای ناهنجاری‌های اجتماعی است. به طور مثال؛ به دلیل داشتن احتیاج به سوخت، ده نشینان اقدام به قطع درختان و بوته‌هایی می‌کنند که ده آنان را در برابر فرسایش خاک و جابه‌جایی تپه‌های ریگی حفاظت می‌کند، و یا رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت در شهرها باعث بالا رفتن میزان مصرف و در نتیجه، افزایش آلودگی‌ها مانند آلودگی آب و هوا می‌گردد (عباس، ۱۳۹۶: ۳۱).

### مفهوم مشارکت

مشارکت (Participation) به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است (محسنی و جاراللهی، ۱۳۸۲: ۱۲). مشارکت عملی جمعی، آگاهانه و داوطلبانه است که دربردارنده دخالت شهروندان در امور عمومی می‌باشد (جباری، ۱۳۷۸: ۷-۸). بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مشارکت فراگردی است که از راه آن مردم به دگرگونی دست می‌یابند و دگرگونی را در خود پدید می‌آورند. کرفت و بیراسفورد تحولاتی چون ظهور جنبش‌های اجتماعی جدید، تأمل و بازنگری در مورد نیاز انسان، ظهور مجدد ایده شهروندی و پست‌مدرن را موجب توجه به ایده مشارکت دانسته‌اند (نیازی، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۲). به همین گونه حفاظت از محیط زیست ممکن نیست مگر با مشارکت و همکاری گسترده مردم. البته مشارکت انواع و تقسیم بندی‌های مختلف دارد که در مقاله کنونی به مشارکت در سطح ملی و بین‌الملل پرداخته می‌شود.

### انواع مشارکت

چنانچه قبلاً در تعریف محیط زیست ذکر گردید، محیط زیست تنها شامل محیط زیست طبیعی نبوده؛ بلکه محیط ساخته انسان و اجتماع را نیز شامل می‌گردد از این رو نیاز است تا انسان برای بقای حیات خویش سعی نماید تا از تمام انواع محیط زیست خویش حفاظت و مراقبت جدی نماید. گرچند ابتدایی‌ترین شکل حفاظت از محیط زیست همانا حفاظت فردی است لیکن در یک اجتماع حفاظت از

محیط زیست تنها به صورت فردی ممکن نبوده و نیازمند مشارکت مردمی و اجتماعی می‌باشد تا محیط زیست در همهی ابعاد آن مورد حفاظت و حمایت قرار گیرد. در زمینه مشارکت زیست محیطی دو نوع مشارکت نمایان است؛ اولاً مشارکت سنتی و ثانیاً مشارکت جدید که هر یک در ادامه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

## ۶-۱- مشارکت سنتی

مشارکت سنتی آن است که بر اساس عرف، سنت و مذهب پدید می‌آید و به شکل خود جوش و نهادی میان افراد جامعه وجود دارد. بدیهی است نباید انتظار داشت که دولت نقشی در هدایت و سازماندهی این نوع از مشکلات داشته باشد (شاهنوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). یکی از عناصر عمده مشارکت سنتی دین می‌باشد که توجه خاصی به حفاظت از محیط زیست مبذول داشته است چنانچه دین اسلام انسان را اشرف مخلوقات و خلیفه خداوند در زمین می‌داند و تمام پدیده‌های طبیعی برای او آفریده شده است. خداوند نظر ویژه‌ای به انسان دارد. آسمان و زمین و دریا و کوه‌ها را در تسخیر بشر قرار داده تا از آن‌ها به شیوه صحیح و مناسب بهره‌بردارد؛ چنان که آیات ذیل بر آن دلالت دارد:

«خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی‌ها به فرمائش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره‌گیرید، و باشد که سپاس دارید. او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است به سود شما رام کرد؛ در این نشانه‌های [مهمی] است برای کسانی که اندیشه می‌کنند.»<sup>۱</sup>

آیه دیگری بیان می‌دارد: «او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به سوی اوست.»<sup>۲</sup>

«و از آیات [عظمت] خدا این است که بادها را به عنوان بشارتگرانی می‌فرستد تا بخشی از رحمتش را به شما بچشاند و کشتی‌ها به فرمائش حرکت کنند و از فضل او بهره‌گیرید؛ و امید که شکرگزاری کنید.»<sup>۳</sup>

«در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و [همچنین] در تغییر مسیر بادها و ابری که میان زمین و آسمان آرمیده است، نشانه‌هایی است [از ذات پاک خدا و یگانگی او] برای مردمی که می‌اندیشند.»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> «اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِيَجْرِيَ الْفَلَاحَ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَتَعْلَمُكُمْ تَشْكُرُونَ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» سوره جاثیه (۴۵) آیه: ۱۲ و ۱۳.

<sup>۲</sup> «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَانْشُرُوا فِي مَنَاجِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» سوره الملک (۱۶) آیه: ۱۵.

<sup>۳</sup> «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ لِيَذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِيُنذِرَكُمْ مِنْ عَذَابِهِ وَلِيَجْزِيَ الْفَلَاحَ بِأَمْرِهِ وَلِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَتَعْلَمُكُمْ تَشْكُرُونَ» سوره روم (۳۰) آیه: ۴۶.

<sup>۴</sup> «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَاحِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْتَبَا بِهِ الْأَرْضَ بِئَذَى مُؤْتِنًا وَتَبَّتْ فِيهَا مِنْ كُلِّ ذَاتٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» سوره بقره (۲) آیه: ۱۶۴.



با توجه به آیاتی که ذکر شد، طبیعت در تسخیر انسان و برای بهره‌برداری در اختیار او قرار دارد. انسان می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در سرشت او قرار داده بهترین بهره را از طبیعت ببرد، و با خوردوری دنیا را مزرعه آخرت و سرمایه زندگی اخروی خویش قرار دهد.

متون مختلف تعالیم اسلامی به انحاء گوناگون به طبیعت و عناصر آن و همچنین به فواید و اثرهای آن اشاره نموده اند و در کنار این اشارات به لزوم حفاظت از آن نیز پرداخته اند ... آیاتی از قرآن کریم انسان را مورد سؤال قرار داده و یا او را به دستورهای امر کرده اند که یکی از مصادیق بارز این سؤالات و اوامر می‌تواند محیط زیست باشد.<sup>۱</sup> این در حالی است که قرآن کریم به بسیاری از اصول و قوانینی که ضامن بقا و تداوم حیات عالم هستی و حرکت آن به سوی کمال است، اشاره می‌فرماید که مراعات این قوانین خود مرحله‌ای از حفاظت از محیط زیست است.

علاوه بر اینها قواعد فقهی متعددی همچون قاعده «لاضرر»، «ضمان»، «اتلاف»، «تسبیب» و «عدالت» را نیز می‌توان به عنوان بستری برای حقوق محیط زیست در فرهنگ اسلامی معرفی نمود. مضافاً بر اینکه بسیاری از اصول که به ظاهر به عنوان یک ارزش اخلاقی تلقی می‌شوند و می‌توانند در قلمروی از حیات مصداق خاص خویش را داشته باشند، مثل قناعت، خودکفایی، احتراز از اسراف و تبذیر و ... نیز پشتوانه‌های محکمی در حمایت از محیط زیست هستند (نقی‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۴۵-۱۸۳). بناءً افراد با توجه با ارشادات و دستورات دینی ابتدا به صورت فردی به حفاظت از محیط زیست خویش پرداخته و ثانیاً در قالب اجتماع به صورت مشارکتی در حفاظت از محیط زیست سهم گرفته و نقش خویش را ایفا می‌نمایند. البته این نوع مشارکت بیشتر جنبه داخلی و ملی دارد.

## ۶-۲- مشارکت جدید

در مشارکت جدید یک عامل محرک افراد را به تحرک و می‌دارد. این محرک از جانب دولت یا سازمان‌های دولتی برای جلب و افزایش مشارکت مردم در امور مختلف و در قالب برنامه‌های خاص تعیین می‌شود. این مشارکت می‌تواند اجباری یا داوطلبانه باشد (شاهنوری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). از وسیله‌های اجبار در سطح ملی قانون و مقررات و در سطح بین‌المللی کنوانسیون‌ها، معاهدات و دیگر تعهدات بین‌المللی می‌باشد که دولت‌ها را برای مشارکت در حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب محیط زیست و می‌دارد. حتی دولت‌ها با پذیرش برخی کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی، مقررات کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی را قوانین ملی خود گنجانیده و نقش خویش مشارکتی خویش در حفاظت از محیط زیست را ایفا می‌نمایند.

<sup>۱</sup> ر.ک: سوره بقره (۲) آیه ۱۶۸؛ سوره نحل (۱۶) آیه ۹۰، ۹۳؛ سوره حج (۲۲) آیه ۳؛ سوره طه (۲۰) آیه ۸۱؛ سوره نساء (۴) آیه ۱۳۵؛ سوره اسراء (۱۷) آیه ۲۴؛ سوره بقره (۲) آیه ۱۹۵.

## ۷- مشارکت در حفاظت از محیط زیست در سطح ملی و بین‌المللی

مشارکت یکی از اصول مهم حقوق بین‌الملل محیط زیست است که در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ پیش‌بینی شده است. این اصل به‌طور صریح در اعلامیه استکهلم پیش‌بینی نشده است، ولی در مقابل، اعلامیه مزبور به حق بر محیط زیست سالم می‌پردازد که به نظر اغلب حقوقدانان این اصل وسیله‌ای برای اجرای حق بر محیط زیست سالم است؛ اما اعلامیه ریو اصل مشارکت را بدین صورت در اصل ۱۰ خود پیش‌بینی کرده است: «بہتر است مسائل مربوط به محیط زیست با مشارکت همه‌ی شهروندان ذی ربط در سطح مطلوب بررسی گردد، در سطح ملی هر فرد باید کاملاً به اطلاعاتی که مقامات عمومی در مورد محیط زیست در اختیار دارند از جمله اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در منطقه، دسترسی داشته باشد و در روند اتخاذ تصمیمات مشارکت نماید. دولت‌ها باید با دادن اطلاعات به مردم، حساسیت و مشارکت عموم را تسهیل و تشویق نمایند. دستبازی و دسترسی مؤثر به اقدامات و مراجع قضایی و اداری، از جمله مجازات و جبران خسارت، باید تضمین گردد.» (رضانی قوام آبادی، ۱۳۸۹: ۹۱). همچنان اصل هفتم اعلامیه ریو بیان می‌دارد: «کشورها باید با روحیه و بینش مشارکت جهانی با یکدیگر همکاری داشته باشند تا هیچ‌گونه زیان و آلودگی زیست‌محیطی حاصل نشود و وحدت زیست‌محیطی کره زمین مورد حمایت قرار گیرد و شرایط مطلوب حاصل شود. گرچه در مورد مشارکت‌های متفاوت جهانی در زمینه رفع آلودگی محیط زیست همه کشورها مسؤولیت مشترک دارند؛ اما مسؤولیت هریک از آن‌ها در قبال این امر متفاوت است.»

همچنان باید گفت که حقوق بین‌الملل محیط زیست در فرایند تدوین و توسعه آن مبتنی بر نقش فعال و گسترده اشخاص عمومی (سازمان‌های بین‌المللی و...) و اشخاص خصوصی (سازمان‌های غیر دولتی، زنان، جوانان و کودکان) بوده است. این مشارکت به دلیل گستردگی موضوعات زیست‌محیطی، ضرورت بررسی علمی مسائل زیست‌محیطی که در برخی موارد سازمان‌های بین‌المللی مرجع مناسبی برای آن می‌باشند. همچنین زمینه‌های لازم برای مشارکت در حفاظت از محیط زیست به اشکال مختلفی در سطح ملی و بین‌المللی متجلی می‌گردند که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

### مشارکت در امر تدوین و توسعه قوانین

یکی از شیوه‌های مشارکت در حفاظت از محیط زیست، مشارکت در امر تدوین و توسعه قوانین زیست محیطی در سطح بین‌المللی می‌باشد. توجه به این نوع مشارکت از برگزاری کنفرانس استکهلم آغاز شد و تا اکنون با برگزاری کنفرانس‌های متعدد و صدور اعلامیه‌ها همواره از دولت‌ها خواسته شد تا در امر حفاظت از محیط زیست مشارکت داشته باشند. چنانچه ماده بیست و دوم اعلامیه استکهلم بیان می‌دارد: «دولت‌ها باید در توسعه بیشتر قوانین بین‌المللی، در باره مسؤولیت و یا جبران خسارت قربانان آلودگی و دیگر صدمات محیط زیستی، منتج از فعالیت داخل محدوده قانونی و یا مناطق تحت کنترل خود، در نواحی ماوراء قلمرو شان همکاری کنند.» همچنین اعلامیه ریو بیان داشته است: «کشورها باید قوانین مؤثر برای محیط زیست تدوین کنند قواعد حاکم بر محیط زیست هدف‌ها و تقدم‌های مدیریت

باید چنان با شرایط و زمینه‌های محیط زیست و توسعه هماهنگ باشند که یکدیگر را قوام بخشند...» (ریو، ۱۹۹۲، اصل ۱۱). کشورها باید قوانین ملی را به منظور تعقیب عادلانهٔ عاملان آلودگی محیط زیست و قربانیان این آلودگی تدوین کنند. به علاوه، کشورها باید به سرعت و با قاطعیت جهت تنظیم یک سری قوانین بین‌المللی با تضمین جبران خسارات و پیامدهای منفی آلودگی محیط زیست با یکدیگر همکاری کنند و متعهد به جبران خسارات آثار خارجی فعالیت‌هایی که بر اساس موازین قانونی به عمل می‌آورند، باشند.» (ریو، ۱۹۹۲، اصل ۱۳)، اصل بیست و هفتم اعلامیه ریو نیز مصرح است: «کشورها و انسان‌ها با اعتماد کامل و با روحیه همکاری و مشارکت در اجرای اصول این بیانیه و گسترش قوانین بین‌المللی برای توسعه مستمر همکاری کنند.» هرچند برگزاری این نوع کنفرانس‌ها و صدور اعلامیه در ابتدا کارایی چندانی نداشت؛ زیرا در اساس محتوای اعلامیه‌ها آثار حقوقی الزام آور همانند دیگر اسناد بین‌المللی ندارند، اما آهسته آهسته این اعلامیه‌ها عملکرد دولت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و به آن توجه صورت گرفت و مبنای شکل‌گیری بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی زیست‌محیطی و حتی شکل‌گیری قوانین داخلی را شکل داد. تدوین مقررات در قالب اعلامیه و دیگر اسناد غیر الزام آور، بستری مناسب برای بروز حقوق قوام نایافته ایجاد کرد و در درازمدت سبب توسعه حقوق بین‌الملل گردید. بیشتر کشورها با ایجاد کنوانسیون‌های دو جانبه یا چند جانبه مانند کنوانسیون کیوتو، کنوانسیون تغییر اقلیمی، کنوانسیون رامسر، کنوانسیون بازل و... زمینه تدوین و توسعه مقررات بین‌الملل و قواعد الزام آور زیست محیطی را در سطح بین‌المللی فراهم نمودند. به همین ترتیب افغانستان که عضو چندین کنوانسیون بین‌المللی زیست محیطی مانند کنوانسیون بازل، تغییرات اقلیمی، کنوانسیون لایه اوزون، تنوع حیات و غیره است، با توجه به امر مشارکت در قانون‌گذاری و تطبیق ماده ۷ قانون اساسی مبنی بر رعایت تمام تعهدات بین‌المللی خویش، طبق ماده ۱۵ قانون اساسی، به منظور حمایت و حفاظت از محیط زیست، قانون محیط زیست را به تاریخ ۵ دلو ۱۳۸۵ با نمبر مسلسل ۹۱۲ تصویب و نشر کرد. همچنان در کودجزای سال ۱۳۹۶ برخی رفتارها و اعمال مخرب و آلوده کننده محیط زیست را جرم انگاری و برای آن مجازات نقدی و حبس پیش‌بینی نموده و بدین ترتیب دولت افغانستان نقش خود را در راستای مشارکت در تدوین و توسعه قوانین زیست محیطی در سطح ملی و بین‌المللی ایفا نموده است.

### مشارکت در اطلاع دهی و کسب اطلاعات

نوع دیگری از مشارکت در حفاظت از محیط زیست، اطلاع دهی و کسب اطلاعات کشورها از خطرات زیست‌محیطی به منظور اقدام به موقع جهت جلوگیری آن است. کشورها باید از خطرات زیست‌محیطی که در اثر فعالیت‌های شان در داخل قلمرو آن‌ها رخ می‌دهد که این خطرات فرامرزی بوده و دیگران را تحت تأثیر خواهد یا اینکه احتمال می‌رود دیگران را تحت تأثیر قرار دهد، اطلاع رسانی نموده و اطلاعات مربوطه را با سایر کشورها شریک سازند. اصل هجدهم بیانیه ریو پیش‌بینی می‌کند: «دولت‌ها باید دولت‌های دیگر را بلافاصله از حوادث و فجایع طبیعی که یا موارد اضطراری دیگر که به نظر می‌رسد آثار سویی بر محیط زیست این کشورها داشته باشن، مطلع سازند.»

قابل ذکر است که اصل اطلاع دهی یا اطلاع رسانی در بحران‌های زیست‌محیطی و سایر مسائل مربوط به هر یک از اجزای محیط زیست به عنوان یک رویه کلی و به‌طور قطعی و صریح در معاهدات متعدد بین‌المللی ظهور یافته است. کنوانسیون تالاب‌های مهم بین‌المللی، رامسر ۱۹۷۱ (Ramsar Convention) دول متعاقد ر به تحقیق و مبادله اطلاعات مربوط به تالاب‌ها و مواد مندرج تشویق می‌کند (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، ص. ۹۹). مواد ۴ و ۵ کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های گیاهان و جانوران وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی (CITES, 1973) به صدور و ورود گونه‌های مورد نظر کنوانسیون را تابع مقررات ویژه‌ای برای تبادل اطلاعات و و صدور مجوز کشورهای وارد کننده و صادر کننده قرار می‌دهد. کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌های، مارپل (MARPOL, 1973)، اعضای متعاقد را ملزم دانسته که سایر اعضا را از جزئیات کامل سانحه و اقدامات انجام شده و هر کشور دیگری که ممکن است متأثر از این امر شده باشد، مطلع سازند. همچنان پروتکل مربوط به کنوانسیون مارپل بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها<sup>۱</sup> ۱۹۷۸ اعضا را ملزم نموده که اطلاعات را با یکدیگر تبادل نمایند (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲، ص. ۱۰۰). امروزه اطلاع رسانی و تبادل اطلاعات در خصوص خطراتی که ممکن است محیط زیست کشوری را تحت تأثیر قرار دهد، به عنوان یک وظیفه به دولت‌ها تکلیف شده است. ارزش این اصل به حدی بوده است که در قضیه کانال کورفو (Ramsar Convention, 1971) دادگاه بین‌المللی دادگستری بنا بر کوتاهی دولت آلبانی در اطلاع رسانی، آن کشور را محکوم کرده و مکلف به جبران خسارت وارده به بریتانیا دانست.<sup>۲</sup>

البته مشارکت در اطلاع دهی، تنها موارد اطلاع از خطرات زیست‌محیطی را شامل نمی‌گردد، بلکه حتی نتایج حاصل از تحقیقات و پژوهش‌های علمی و فنی را که دولت‌های پشرفته انجام داده و نتایج حاصله آن گره گشای مشکلات کشورهای دیگر باشد، نیز شامل می‌گردد. چنانچه اصل بیستم بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ به این مورد اشاره دارد: «پژوهش و توسعه علمی در چارچوب مسائل زیست‌محیطی ملی و بین‌الدولی باید در همه کشورها، به خصوص در کشورهای در حال رشد تشویق شود. در این رابطه باید از جریان آزادانه اطلاعات روزآمد علمی و انتقال تجارب، حمایت و یاری شود تا حل مسائل زیست‌محیطی آسانتر شود. فن‌آوری‌های محیط زیستی باید با شرایطی که انتشار وسیع آن‌ها را بدون گذاشتن بار سنگینی بر دوش کشورهای در حال توسعه تشویق کند، در اختیار این کشورها قرار گیرد.» بخش‌های متعددی از کنوانسیون مختلف مانند، کنوانسیون منطقه کویت برای همکاری در باره حمایت

<sup>۱</sup> Protocol on the prevention of Marine Pollution from ships, MARPOL, 1978.

<sup>۲</sup> در ۱۵ مه ۱۹۴۶ کشتی‌های جنگی انگلیس هنگام عبور از تنگه ی کورفو در آبهای ساحلی کشور آلبانی توسط آنتی‌بایرهای ساحلی مورد حمله قرار گرفتند. در ۲۲ اکتبر همان سال دو کشتی جنگی انگلیسی هنگام عبور از تنگه ی مزبور با مین برخورد کردند و انفجار مین موجب وارد آمدن خسارت به کشتی‌ها و کشته شدن ۴۴ تن از افسران و دریانوردان انگلیسی شد. در ۱۲ و ۱۳ نوامبر همان سال واحدهای نیروی دریایی انگلیس بدون رضایت دولت آلبانی مشغول پاک کردن مین‌ها در آب‌های آلبانی واقع در تنگه ی کورفو شدند. انگلستان درباره ی مسأله مین‌گذاری در تنگه ی کورفو به شورای امنیت شکایت کرد. شورای امنیت به طرفین توصیه کرد که به دیوان بین‌المللی دادگستری رجوع کنند. موضوعی که دیوان باید به آن رسیدگی می‌کرد مربوط به مسئولیت آلبانی در مورد انفجار مین و همچنین مجاز بودن یا نبودن عمل انگلیس در پاک کردن مین‌ها بود. محکومیت دولت آلبانی برای اصل استوار بود که دولت آلبانی وظیفه داشته است کشتی‌های انگلیسی را از خطر انفجار مین که عبور بی ضرر کلیه ی کشورها را در تنگه ی کورفو تهدید می‌کرد مطلع کند. دیوان با ۱۱ رأی در مقابل ۵ رأی، آلبانی را به دلیل کوتاهی در اطلاع رسانی از وجود مین‌ها مسئول خسارت حاصل از انفجار مین تشخیص داد و حکم به پرداخت غرامت از سوی آلبانی به انگلیس صادر کرد و همچنین به اتفاق آراء عمل پاک کردن تنگه از مین توسط انگلیس را که بدون رضایت آلبانی انجام گرفته بود محکوم کرد.

و توسعه محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی در برابر آلودگی (Kuwait Convention, 1978)، کنوانسیون حمایت از گونه‌های وحشی مهاجر، بن (CMS, 1979)، کنوانسیون وین برای حفاظت از لایهٔ ازن (Vienna Convention, 1985) و چندین کنوانسیون بین‌المللی دیگر در مواد مختلفی به مشارکت در اصلاح رسانی اشاره داشته و دولت‌های متعاقد را ملزم به رعایت آن دانسته‌اند. در همین راستا قانون محیط زیست افغانستان در بند (۳) ماده هفتم در بخش حقوق اتباع، حق دسترسی اتباع به معلومات زیست‌محیطی را که دولت در اختیار دارد مجاز دانسته و دولت را مکلف به ارائه آن نموده است. البته با ذکر چهار شرط: اول اینکه تقاضای معلومات مؤجه بوده و بصورت عمومی ترتیب نشده باشد. یعنی اینکه درخواست معلومات متقاضی توجیه قانونی داشته باشد و دیگر اینکه کلی و عمومی نباشد که ارائه آن دولت را دچار مشکل بسازد. شرط دوم اینکه معلومات مطلوبه از نگاه تجارتي محرم نباشد. شرط سوم اینکه اعطای معلومات مطلوبه خطر بیشتری را متوجه محیط‌زیست نسازد. و چهارم اینکه، ارایه معلومات مورد نظر، حق محرمیت امور فردی را به مخاطره نیاندازد به همین ترتیب در بند (۴) ماده شصت‌وهفتم در مورد تبادل اطلاعات در سطح بین‌المللی بیان می‌دارد: ادارهٔ ملی حفاظت از محیط زیست تبادل اطلاعات بین‌المللی را در مورد منابع طبیعی افغانستان، استفاده دوامدار و حفاظت از آن‌ها، محیط زیست و بهداشت محیط زیستی، جلوگیری و کنترل آلودگی و شیوه‌های ترویج منابع مذکور را انسجام بخشد. با رعایت این شروط دولت مکلف است تا معلومات راجع به محیط زیست را در اختیار اتباع قرار دهد.

### مشارکت در تصمیم‌گیری

پس از تعهد به مشارکت در اطلاع رسانی یا تبادل اطلاعات، مشارکت در تصمیم‌گیری نیز از حقوق تاکید شده در اسناد ملی و بین‌المللی است. حصول اطلاعات شرط لازم برای ایفای نقش مشارکت در تصمیم‌گیری، مخصوصاً با آثار زیست‌محیطی می‌باشد. حق مشارکت دارای دو جزء ترکیبی: حق آگاهی داشتن و حق اثر گذاری بر تصمیمات می‌باشد. اصل ۲۳ منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲ با صراحت بیشتری مقرر می‌دارد: «همهٔ افراد با توجه به قانون مندی داخلی خود فرصت مشارکت به طور انفرادی یا همراه دیگران را در تنظیم تصمیماتی مرتبط با محیط زیست خواهند داشت و همچنین زمانی که محیط زیست شان زیان ببیند و دچار خسارت گردد، به وسایل جبران غرامت دسترسی خواهند داشت.» (گوندلینگ و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۱۴) و حتی در صورتی عمل دولت‌ها سبب آلودگی و تخریب محیط زیست گردد، مردم می‌توانند بر علیه آن اقدام نموده و به مبارزه بر ضد آلودگی بپردازند چنانکه در اصل ششم استکهلم نیز به این موضوع اشاره شده است. اصل دهم اعلامیهٔ ریو بر اهمیت آگاهی عمومی و مشارکت همه آنچه مربوط به شهروندان می‌شود به بحث موضوعات زیست‌محیطی تکیه می‌کند، اعلامیهٔ ریو بر مشارکت اجزای مختلف ترکیبی جمعیت تأکید می‌ورزد مانند: زنان (در اصل ۲۰) جوانان (در اصل ۲۱)، مردم بومی و تشکیلات آن‌ها (در اصل ۲۲) مردم سالاری بودن فرایند مذاکرات بین‌المللی محیط زیست به عنوان مشارکتی اساسی در اعلامیهٔ کنفرانس ریو منعکس شده است. مشارکت عمومی در سراسر دستور کار ۲۱

نیز مورد تأکید قرار گرفته است. همچنان بند (۳) فصل ۲۳ دستور کار ۲۱ گروه‌های عمده‌ای را که برای مشارکت مورد نیاز هستند، شامل: زنان، جوانان، مردم بومی و محلی، سازمان‌های غیر دولتی، مقامات محلی، کارگران، تجار و صنایع، دانشمندان و کشاورزان معرفی می‌کند. مقررات این بخش خواهان مشارکت عمومی در فرایند ارزیابی زیست‌محیطی و مشارکت در تصمیمات به ویژه تصمیماتی که به‌طور بالقوه بر جوامع، زیستگاه‌ها و فعالیت‌های ایشان اثر می‌گذارد، می‌باشد (گوندلینگ و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۱۶). قانون داخلی افغانستان نیز در مورد متعدد مانند: سهم‌گیری در اجتماعات، اعتصابات، راه‌پیمایی‌ها و ریفرندهای مربوط به استفاده دوامدار از منابع طبیعی و حفاظت و احیای محیط زیست (قانون محیط زیست، بند ۴، ماده ۷)، حق مشارکت را داده است تا در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی نقش داشته باشند حتی در صورت آلودگی‌ها و تخریبات محیط زیست می‌توانند دست به تجمعات و اعتراضات دادخواهانه بزنند. همچنان طبق این قانون اتباع می‌توانند در روند ارزیابی اثرات زیست‌محیطی اشتراک داشته باشند (قانون محیط زیست، بند ۶، ماده ۷)، طبق بند ۵ قانون محیط زیست اتباع می‌توانند برخی از مکاتیب، شکایات، اعلامیه‌ها و پیشنهادات مربوطه به استفاده دوامدار از منابع طبیعی، حفاظت و احیای محیط زیست را به حکومت و مؤسسات عامه غرض پیگیری موضوع ارسال نمایند تا از این طریق در تصمیمات زیست‌محیطی نقش مؤثر و مشارکت داشته باشند.

### مشارکت در حفاظت، حمایت و توسعه محیط زیست

تعهدی دیگر که کشورها در سطح بین‌الملل برای حفاظت از محیط زیست دارند، مشارکت ایشان در حفاظت، حمایت و توسعه محیط زیست می‌باشد. اصل دوم بیانیه کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ بیان می‌دارد: «منابع طبیعی زمین شامل: هوا، آب و خاک، گل‌ها و گیاهان و مخصوصاً نمونه‌های مشخص اکوسیستم‌های طبیعی باید برای استفاده نسل‌های کنونی و آینده با برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت مناسب، محافظت شوند.» ظرفیت زمین برای تولید منابع قابل تجدید حیاتی باید حفظ شده و هر جا لازم باشد، بازسازی یا بهبود یابد (اصل سوم: استکهلم ۱۹۷۲). تمام کشورها، کوچک و بزرگ باید به موضوعات بین‌المللی حفاظت و بهبود محیط زیست، با روح همکاری و بر پایه مساوات رسیدگی کنند (اصل بیست و چهارم: استکهلم ۱۹۷۲). همچنان کنفرانس ریو نیز به مسأله مشارکت در حفاظت از محیط زیست پرداخته و بیان می‌دارد: «کشورها باید با روحیه و بینش مشارکت جهانی با یکدیگر همکاری داشته باشند تا هیچ‌گونه آسیب و آلودگی زیست‌محیطی حاصل نشود و وحدت زیست‌محیطی کره زمین مورد حمایت قرار گیرد و شرایط مطلوب حاصل شود...» (اصل هفتم: ریو ۱۹۹۲). همچنان در اصل دیگری بیان می‌دارد: «کشورها باید به طور مؤثر با یکدیگر همکاری کنند و از هرگونه نقل و انتقال و جابجایی مواد آلوده کننده محیط زیست که سلامتی انسان را به خطر می‌اندازد، مانعت به‌عمل آورند.» (اصل چهاردهم: ریو ۱۹۹۲). به‌منظور حفاظت از محیط زیست کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه حمایتی را براساس توانایی‌های خود و به‌طور مبسوط مورد استفاده قرار دهند. در جایی که امکان خطر جدی وجود دارد و یا مسائل و مشکلات ناشناخته زیان‌هایی را به بار می‌آورد، نواقص به طور کامل و

علمی مورد بررسی قرار گیرد و نباید به دلیل این که ضوابط مبارزه با آلودگی محیط زیست پرهزینه است از آن چشم پوشی کرد (اصل پانزدهم: ريو ۱۹۹۲). بر اساس برداشت منطوق از این اصل دولت‌ها نباید هیچ دلیلی را مبنا قرار داده و در امر مبارزه با آلودگی محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن اغماض نمایند. دولت‌ها باید در این راستا از هیچ نوع تلاش دریغ نه ورزند حتی اگر چنین تلاش‌هایی هزینه در بر داشته باشد. البته مواد و اصول متعددی از کنفرانس‌ها و اعلامیه‌های بین‌المللی به این مورد پرداخته اند؛ چنانچه قبلاً ذکر گردید اعلامیه‌ها، بیانیه‌های اصولی و کنفرانس‌ها هرچند الزام‌آور نبوده و از جمله منابع نرم یا قوام نیافته محسوب می‌شوند؛ اما در دراز مدت زمینه را برای شکل‌گیری قواعد الزام‌آور و قوام یافته مساعد می‌سازند و دولت‌ها را از حالت تشویق به حالت اجبار و اجرا وادار می‌نمایند که بعداً دولت‌ها چنین موضوعاتی را در قالب تعهدات دو جانبه و چندجانبه و کنوانسیون‌ها به شکل قواعد الزام‌آور تبدیل نموده و مرعی‌الاجرا بدانند. از جمله منابع قوام یافته در جهت حفاظت از محیط زیست می‌توان از کنوانسیون رامسر ۱۹۷۱، کنوانسیون تجارت گونه‌های جانوری و گیاهی و حشی در معرض خطر انقراض و نابودی، واشنگتن ۱۹۷۳، کنوانسیون حفاظت از گونه‌های وحشی مهاجر، بن ۱۹۷۹ نام برد. چنانچه کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اوزون ۱۹۸۵ به حفاظت از سلامتی انسان و محیط زیست در برابر خطرات ناشی از تغییر و کاهش لایه اوزن اشاره کرده و دول متعاقد را ملزم می‌داند که اقدامات لازم را به‌منظور حفظ سلامت انسان و محیط زیست در مقابل اثرات بالقوه و بالفعل سوء ناشی از فعالیت‌های انسان که لایه اوزن را دگرگون می‌سازد، اعمال نمایند. ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاهای ۱۹۸۲ صراحتاً دول متعاقد را ملزم به حفاظت از محیط زیست دریایی می‌کند. البته در روند حفاظت از محیط زیست و توسعه توسط دولت‌ها نقش زنان و جوانان نیز مؤثر بوده و دولت‌های متعاقد باید نقش ایشان را مطمح نظر قرار دهد. چنانچه اصل بیستم بیانیه ريو تصریح می‌دارد: « زنان نیز در امر محیط زیست و توسعه نقش حساس و مهمی دارند به همین خاطر، همکاری نامحدود آن‌ها بسیار مؤثر بوده، استمرار توسعه را ممکن می‌سازد.» همچنان اصل بیست و یکم بیانیه ريو ۱۹۹۲ بیان می‌دارد: « خلاقیت‌ها، ابتکارات و آرمان‌های جوانان در سراسر جهان باید به کار گرفته شود تا مشارکت گسترده‌تر جهانی محقق گردد واز این طریق توسعه مستمر حاصل شود و آینده بهتر برای همگان تضمین گردد.» در چهارمین گردهم‌آیی جهانی زنان که در سال ۱۹۹۵ در بیجینگ کشور چین برگزار شد، موضوع محیط زیست مورد توجه قرار گرفت. بند ۱۶ اعلامیه بیجینگ (Beijing Declaration, 1995) می‌گوید: « مشارکت زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی، برابری شانس و مشارکت کامل، بر پایه‌ی برابری میان زنان و مردان، بخشی از شرایط اساسی از میان بردن فقر به وسیله رشد اقتصادی، توسعه‌ی اجتماعی، نگاه‌داری از محیط زیست و عدالت اجتماعی است.» همچنان بند ۱۱ برنامه‌ی کار بیجنگ که به محیط زیست اختصاص یافته است، همراه با تاکید دوباره گردهم‌آیی «محیط زیست و توسعه‌ی ريو» و «دستور کار ۲۱» به نقش‌های گوناگون زنان در روش‌های مصرف، تولید و مدیریت منابع طبیعی پایدار اشاره می‌کند و بر تعهد دولت‌ها نسبت به تعریف الگوی جدید از توسعه، که در آن هم بر پایداری محیط زیست و هم بر برابری جنیست‌ها بر پایه‌ی عدالت نسلی و عدالت بین‌نسلی ذکر شده در فصل ۲۴ دستور

کار ۲۱ تأکید شده، پافشاری می‌ورزد (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۸: ۹۵). بناءً کشورها همه باهم باید در حفاظت، حمایت و توسعه محیط زیست مشارکت نموده و نقش برجسته زنان و جوانان را نیز در حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار مطمع نظر قرار دهند. قانون محیط زیست افغانستان، وظیفه اصلی حفاظت از محیط زیست را به عهده دولت گذاشته و در بنده (۲) ماده ششم بیان می‌دارد: «حفاظت از منابع طبیعی در قلمرو کشور و استفاده آن به شیوه دوامدار طبق احکام این قانون از وظایف دولت می‌باشد. در بند (۳) همین ماده آمده است: «دولت به منظور تأمین رفاه عامه در حال و آینده و تأسیس مجدد سیستم‌های اساسی ایکولوژیکی و منابع طبیعی، حفاظت و احیاء محیط زیست، جلوگیری و کنترل از آلودگی آن و بهره‌گیری همگانی از منابع وراثتی، برنامه‌ها را طرح و تطبیق می‌کند.» هرچند که وظیفه حفاظت از محیط زیست و طرح‌های حفاظت از وظایف دولت است؛ اما در ماده سوم این قانون، دولت اداره ملی حفاظت از محیط زیست را عهده دار و مسؤول حفاظت از محیط زیست دانسته و بیان می‌دارد: «اداره ملی حفاظت محیط زیست به حیث اداره مستقل، مسؤول انسجام و نظارت امور حفاظت و احیای محیط زیست و تطبیق احکام این قانون در سطح کشور می‌باشد.» (قانون محیط زیست، ماده: ۳) باید یاد آور شد که علاوه بر دولت مردم نیز مسؤولیت حفاظت از محیط زیست را بر عهده دارند چنانچه بند (۱) ماده هشتم قانون محیط زیست بیان می‌دارد: «شخصیکه باعث آلودگی محیط زیست می‌گردد، مکلف است از ادامه و تکرار آن خود داری نماید. هرگاه مطابق به احکام این قانون مقداری از آلودگی امر مجاز یا اجتناب ناپذیر باشد، در این صورت مکلف است حد اقل حجم آنرا کاهش یا از ازدیاد آن جلوگیری نماید.» یعنی اینکه هرگاه عمل شخص خواسته یا نا خواسته باعث آلودگی محیط زیست می‌گردد به منظور جلوگیری از آلودگی محیط زیست مکلف است تا چنین عملی را تکرار نکرده و از انجام آن خود داری نماید تا محیط زیست را آلوده نساخته و نقش خویش را در حفاظت از محیط زیست ایفا نماید. اگرچنانچه عمل شخص مستلزم مقدار آلودگی باشد که جلوگیری از آن ناممکن باشد؛ لذا به منظور حفاظت از محیط زیست باید تلاش نماید تا حجم این آلودگی را کاهش دهد. بناءً با توجه به موارد فوق در قانون داخلی افغانستان هم دولت و هم مردم (به صورت مشارکتی) مسؤولیت حفاظت از محیط زیست را بر عهده داشته و باید در این روند مشارکت فعال داشته باشند.

### مشارکت در انتقال علوم و فن‌آوری

مشارکت در انتقال علوم و فن‌آوری یکی از بخش‌های عمده و اساسی در روند حفاظت از محیط زیست می‌باشد؛ زیرا ممکن برخی از کشورها به ویژه کشورهای جهان سوم به دلایل فقر و پایین بودن سطح علوم و دانش از امکانات و فناوری پیشرفته و حتی لازم برای حفاظت از محیط زیست در سطح ملی و بین‌المللی برخوردار نباشند، لذا ایجاب می‌نماید تا کشور در جهت انتقال علوم و فن‌آوری جهت حفاظت بهتر از محیط زیست با هم مشارکت و همکاری داشته باشند. اصل هجدهم بیانیه استکهلم بیان می‌دارد: «علوم و فن‌آوری به عنوان بخشی از سهم خود در کمک به توسعه اقتصادی و اجتماعی باید برای تشخیص، اجتناب و کنترل خطرات زیست‌محیطی و حل مسائل زیست‌محیطی، به نفع عمومی جامعه بشریت مورد استفاده قرار گیرند.» این بدین معناست که کشورها باید از علوم و فن‌آوری خود



بدون هیچ‌گونه تعصبی در راستای حفاظت از محیط زیست و توسعه و همچنان تأمین منافع کل جامعه بشریت استفاده نموده و نقش مشارکتی خویش را در جهت حفاظت از محیط زیست ادا نماید. همچنان بیانیه ریو تصریح می‌دارد: «آموزش در باره موضوعات زیست‌محیطی برای نسل جوان و بزرگسالان با بذل توجه لازم نسبت به افراد مستضعف، برای وسیع‌تر کردن شالوده عقیده‌ی روشن بینانه و رفتار مسؤولانه، از طرف انسان‌ها، مؤسسات و اجتماعات در باره محافظت و بهبود محیط زیست در بعد کامل انسانی آن ضروری است. همچنین لازم است که وسایل ارتباط جمعی از کمک به تخریب محیط زیست اجتناب نمایند، بلکه بالعکس اطلاعات آموزشی در باره نیاز به حمایت و بهبود محیط زیست برای توانایی دادن به انسان برای توسعه در هر زمینه، ارائه دهند.» با توجه به این اصل نه تنها دولت‌ها بلکه افراد، مؤسسات و حتی رسانه‌های جمعی می‌توانند در حفاظت از محیط زیست سهیم باشند و نقش فعالی را بازی بکنند. رسانه‌ها به‌جای نشر و پخش اطلاعات مخرب محیط زیست می‌توانند از طریق برنامه‌های آموزشی و تربیتی، حتی برای کودکان که آینده سازان جامعه و میراث دار طبیعت و محیط زیست هستند، حفاظت از محیط زیست را آموزش دهند. اصل بیستم بیانیه استکهلم نیز در مورد استفاده از پژوهش‌های علمی پرداخته و چنین مصرح است: «پژوهش و توسعه علمی در چارچوب مسائل زیست‌محیطی ملی و بین‌الدولی باید در همه کشورها، به خصوص در کشورهای در حال رشد تشویق شود. در این رابطه باید از جریان آزاد اطلاعات روزآمد علمی و انتقال تجارب، حمایت و یاری شود تا حل مسایل زیست‌محیطی آسان‌تر شود. فن‌آوری‌های زیست‌محیطی باید با شرایطی که انتشار وسیع آن‌ها را بدون گذاشتن بار سنگینی بر دوش کشورهای در حال توسعه تشویق کند، در اختیار این کشورها قرار گیرد.» (کوروکولاسوریا، ۱۳۹۰: ۲۳۱). در بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲ اجلاس جهانی توسعه پایدار، دولت‌ها تعهد خود را برای آموزش، ظرفیت‌سازی و استفاده از فن‌آوری بیان داشته و اعلام می‌دارند: «ما از تمرکز اجلاس ژوهانسبورگ بر تجزیه‌ناپذیری منزلت بشری استقبال می‌کنیم و تصمیمات این اجلاس را در مورد اهداف، زمان‌بندی‌ها و مشارکت‌ها باری تسریع دسترسی به نیازهای اساسی چون آب سالم، بهداشت، مسکن مناسب، انرژی، مراقبت‌های بهداشتی، امنیت غذایی و حفاظت از تنوع زیستی تأیید می‌نماییم. در عین حال باهم در جهت یاری یکدیگر به‌منظور برخورداری از امکان دسترسی به منابع مالی و منافع حاصل از بازار، تضمین ظرفیت‌سازی، استفاده از فن‌آوری و توسعه‌ی منابع انسانی، تعلیم و تربیت و آموزش برای از میان برداشتن همیشگی توسعه نیافتگی تلاش می‌کنیم.» (بند ۱۸، بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲). با توجه به آنچه بیان گردید، دولت‌ها همه متعهد هستند که یکدیگر را در بخش علوم و فن‌آوری و همچنان آموزش و پرورش در جهت حفاظت از محیط زیست کمک کرده تا همه کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه توانایی و قابل حفاظت از محیط زیست را داشته و در راستای توسعه پایدار گام نهند. در سطح داخلی، قانون محیط زیست افغانستان در بند ۱، ۲ و ۳ ماده شصت و هفتم وزارت‌خانه‌ها، ادارات مرکزی و محلی را ملزم به همکاری در زمینه آموزش، آگاهی دهی، و دسترسی عامه به سیستم معلوماتی به منظور حفاظت از محیط زیست، جلوگیری از آلودگی و تخلیه زباله نموده است و ادارات باید در این زمینه با یکدیگر همکاری نمایند. همچنان ماده شصت و هشتم این

قانون در مورد مشارکت در آموزش به منظور حفاظت از محیط زیست بیان می‌دارد: «اداره ملی حفاظت محیط زیست به همکاری وزارت‌ها و ادارات ذیربط و مراجع علمی و تخصصی در موارد ذیل تشریک مساعی می‌نماید: ۱- شامل ساختن مضامین تنظیم و حفاظت منابع طبیعی، بهبود سلامت محیط زیستی و جلوگیری و کنترل آلودگی در نصاب تعلیمی مکاتب و پوهنتون‌ها. ۲- طرح و تهیه پروگرام‌های تربیوی برای کارکنان فنی و مسلکی منابع طبیعی و رشته‌های علوم طبیعی و اجتماعی، با نظر داشت اولویت نیازمندی‌های مندرج برنامه ملی تنوع حیات و برنامه عمل مطابق حکم ماده سی و نهم این قانون. ۳- طرح پروگرام‌های تربیوی برای کارکنان فنی و مسلکی در چهارچوب مضامین حفاظت از محیط زیست و رشته‌های علوم طبیعی و اجتماعی. ۴- طرح و تطبیق برنامه‌های آگاهی و آموزشی جهت تطبیق احکام این قانون، مقررات و طرز‌العمل‌های مربوط به آن.» ماده شصت‌ونهم قانون محیط زیست، اداره ملی حفاظت محیط زیست را ملزم به همکاری ملی و بین‌المللی جهت فراهم ساختن برنامه‌های تحقیقاتی علمی در مورد حفاظت از محیط زیست نموده و در بند (۱) تصریح داشته است: «اداره ملی حفاظت از محیط زیست پروگرام‌های ملی تحقیقاتی را جهت ثبات محیط زیستی، استفاده دوامدار از منابع طبیعی و بهداشت محیط زیستی تهیه و ترتیب نموده و در پیشبرد پروگرام‌های بین‌المللی که بدین منظور راه اندازی می‌گردد، همکاری می‌نماید.» بدین ترتیب افغانستان در سطح ملی نیز نقش مشارکتی خویش در تعلیم تربیه، انتقال علوم و فن‌آوری ایفا نموده و در حفاظت از محیط زیست سهیم می‌باشد.

## مشارکت مالی کشورهای توسعه‌یافته در جهت بهبود محیط زیست در کشورهای در

### حال توسعه

روش دیگر از مشارکت در حفاظت از محیط زیست، مشارکت مالی است که کشورهای توسعه یافته برای کشورهای در حال توسعه انجام می‌دهند. چنانچه قبلاً گفته شد حفاظت از محیط زیست ممکن برای برخی از کشورها هزینه بردار باشد و در عین حال اصل پانزده بیانیه ریو ۱۹۹۲ بیان می‌دارد: به‌منظور حفاظت از محیط زیست کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه حمایتی را براساس توانایی‌های خود و به‌طور مبسوط مورد استفاده قرار دهند. در جایی که امکان خطر جدی وجود دارد و یا مسائل و مشکلات ناشناخته زبان‌هایی را به بار می‌آورد، نواقص به‌طور کامل و علمی مورد بررسی قرار گیرد و نباید به دلیل این که ضوابط مبارزه با آلودگی محیط زیست پرهزینه است از آن چشم‌پوشی کرد.» بناءً دولت‌ها نمی‌توانند به بهانه اینکه مبارزه با آلودگی محیط زیست و حفاظت آن پرهزینه است از اجرای تعهدات خویش در قبال حفاظت از محیط زیست چشم‌پوشی کنند. از جانب دیگر کشورهای توسعه یافته در طول این مدت منابع بیشتری را از طبیعت حاصل نموده‌اند و مرحله رشد و توسعه دست یافته‌اند و این امر بدون صدمه زدن به محیط زیست و آلوده ساختن آن محقق نشده است، لذا اکنون ایجاب می‌نماید تا کشورهای توسعه یافته در قسمت تأمین مالی حفاظت از محیط زیست به کشورهای دیگر بخصوص کشورهای در حال توسعه مشارکت و همکاری نمایند. بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ بیان

می‌دارد: «مشکلات زیست‌محیطی که از وضعیت کمی رشد و بلایای طبیعی ناشی شده مشکلات بزرگی ایجاد می‌کند. این مشکلات را می‌توان با سرعت بخشیدن به توسعه از طریق انتقال مقادیر قابل توجهی از کمک‌های مالی و فنی به عنوان ضمیمه‌ای برای تلاش‌های داخلی و خارجی کشورهای رو به رشد و هرگونه کمک مشابه در زمان مناسب، درمان نمود.» (اصل نهم، بیانیه استکهلم ۱۹۷۲)، اصل دوازدهم بیانیه ریو ۱۹۷۲ همچنان مصرح است: «برای محافظت و بهبود محیط زیست، با توجه به موقعیت و نیازهای خاص کشورهای در حال توسعه و با توجه به هرگونه هزینه‌ای که احتمال دارد در اثر اقدامات محافظتی محیط زیست به طرح‌های توسعه آنان وارد شود و با توجه به کمک‌های بیشتر فنی و مالی بین‌المللی که ممکن است این کشورها برای این منظور لازم داشته باشند و بنا به درخواست آن‌ها باید در اختیار شان قرار گیرد، منابع لازم باید تأمین شود.» (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۲۴۶)، اصل ششم بیانیه ریو ۱۹۹۲ نیز در این باره بیان می‌دارد: «شرایط مخصوص احتیاجات کشورهای توسعه‌نیافته، به‌ویژه کشورهای فقیر و کشورهایی که در زمینه محیط زیست به تنهایی قدرت مقابله با آلودگی را ندارند، ایجاب می‌کند، در رأس حمایت‌های جهانی قرار گیرند. سازمان‌ها و جنبش‌های بین‌المللی محیط زیست و توسعه باید منافع و نیازمندی‌های هرکشور را مد نظر قرار دهند.» اصل دوازدهم بیانیه ریو همچنان کشورها را به همکاری اقتصادی با یکدیگر ملزم نموده تا یک سیستم اقتصادی آزاد مورد حمایت قرار گرفته، تکامل و رونق اقتصادی و توسعه‌ی مستمر برای همه کشورها فراهم گردد تا بدین ترتیب بتوانند مشکلات محیط زیست را بهتر حل نمایند. کمک‌های مالی و اقتصادی به‌منظور توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست برای کشورهای دیگر در اجلاس جهانی توسعه پایدار (ژوهانسبورگ ۲۰۰۲) نیز مورد تأکید و تعهد دولت‌ها قرار گرفته است. در بیانیه این نشست چنین تعهد شده است «برای مشارکت در جهت دستیابی به اهداف توسعه مصرّاً از کشورهای در حال توسعه می‌خواهیم کوشش‌های جدی خود را برای جذب کمک‌های توسعه‌ای رسمی در سطوح توافق شده بین‌المللی معطوف دارند.» (بند ۲۲، بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲). «ما باید توجه خاص خود را به نیازهای توسعه‌ای دولت‌های در حال توسعه جزایر کوچک و کشورهای کمتر توسعه یافته تداوم بخشیم.» (بند ۲۴، بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲).

برای تأمین حمایت‌های مالی و اقتصادی، یکی از سازوکارها ایجاد صندوق یا نهادهای مالی مبارزه با آلودگی‌ها و تخریب محیط زیست بوده که به منظور حل مشکلات زیست‌محیطی و تأمین منابع مالی پروژه‌های محیط زیست در سطح ملی و بین‌المللی تأسیس شدند. یکی از این صندوق‌ها، صندوق تسهیلات محیط زیست<sup>۱</sup> جهانی می‌باشد. صندوق تسهیلات جهانی محیط زیست در کنفرانس ریو به عنوان مکانیسم مالی تأمین بودجه برای اجرای کنوانسیون‌های تغییرات آب و هوا و تنوع گونه‌های گیاهی - جانوری و اجرای دستور العمل ۲۱ تشکیل شد. این صندوق بعنوان یک نهاد مالی تحت مدیریت سازمان ملل متحد، جهت اعطای کمک‌های مالی به کشورهای ضعیف و درحال توسعه در

<sup>1</sup> Global Environment Facility (GEF)

راستای حمایت از محیط زیست جهانی و ترویج رفاه و امرار معاش پایدار در جوامع محلی تشکیل گردیده است (کوروکولاسوریا، ۱۳۹۰: ۱۹۱).

این مرکز طبق آخرین آمار (۱۸ جون ۲۰۲۱) ۱۸۴ کشور را با سازمان‌های بین‌المللی و بخش خصوصی در جهت حل مشکلات جهانی محیط زیست مرتبط می‌سازد. جیف از سال ۱۹۹۲ تاکنون بیش از ۱۱/۵ میلیارد دلار کمک مالی بلاعوض مستقیم (Grant) و بیش از ۵۷/۵ میلیارد دلار بصورت مشارکت مالی (Co-financing) به کشورهای در حال توسعه و با اقتصاد در حال گذر در ۱۶۵ کشور دنیا و از طریق اجرای ۳۲۱۵ پروژه کمک کرده است. همچنین جیف از طریق برنامه کمک‌های کوچک، توانسته است ۶۵۳ میلیون دلار کمک مالی از طریق اجرای ۱۶،۰۳۰ پروژه کوچک توسط سازمان‌های غیر دولتی در کشورهای در حال توسعه هزینه کند. بودجه جیف در واقع از طریق کنوانسیون‌های زیست‌محیطی سازمان ملل و اعضای متعهدین توسعه یافته آن و ارگان‌های اعطاء کننده (Donor) نظیر بانک جهانی، شرکت‌های چند ملیتی، اتحادیه اروپا و دولت‌های توسعه یافته و غیره تامین می‌گردد.

پروژه‌های این صندوق در ۶ محدوده کاری شامل تنوع زیستی، تغییر آب و هوا، آب‌های بین‌المللی، تنزیل خاک و آمایش زمین، حفاظت از لایه اوزون می‌باشد.

از دیگر صندوق‌های مالی بین‌المللی که در جهت مشارکت مالی برای کشورهای کمتر توسعه یافته به منظور حفاظت از محیط زیست شان کمک می‌کند، صندوق کشورهای کمتر توسعه یافته<sup>۱</sup> و صندوق مالی ویژه تغییرات آب و هوا<sup>۲</sup> می‌باشد. صندوق کشورهای کمتر توسعه یافته (ال دی سی اف) تنها منبع اختصاصی پشتیبانی سازگاری با تغییرات آب و هوا برای کشورهای حداقل توسعه یافته است.

بناءً کشورهای توسعه یافته و اعضای کنوانسیون‌های بین‌المللی با حمایت‌های مالی شان به این صندوق‌ها، در روند حفاظت از محیط زیست مشارکت نموده و کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه را کمک و همکاری می‌نمایند. قانون افغانستان در مورد حمایت‌های مالی به سایر کشورها هیچ تصریح نداشتته است. این کشور از آنجا که در زمره کشورهای در حال توسعه و جهان سومی به شمار می‌آید نه تنها که از کشورهای اعطاء کنندگان هزینه برای صندوق تسهیلات محیط‌زیست (جیف) نبوده، بلکه از جمله دریافت کنندگان کمک‌ها و حمایت‌های مالی این صندوق بوده است که طبق آخرین آمار (۱۴۰۲/۸/۳۰) در سایت رسمی صندوق تسهیلات محیط زیست (GEF)، این صندوق حدود ۴ فیصد از کل مشارکت‌های مالی اش را که حدود بیشتر از (۲۶ میلیون دالر) می‌شود در تطبیق برخی از پروژه‌های زیست‌محیطی در افغانستان هزینه کرده است.

### مشارکت در برخورداری از جبران خسارت و توسل به مراجع قضایی

در مقررات حقوق بشر و حقوق محیط زیست حق برخورداری از جبران خسارت به گونه‌ای مؤثر بنیاد نهاده شده است و چنانچه قوانین حفاظتی مورد تجاوز و تخطی قرار گیرد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد دولت‌ها را در راستای جبران خسارت مورد خطاب قرار داده است. محیط

<sup>۱</sup> Least Developed Countries Facility (LDCF)

<sup>۲</sup> Special Climate Change Fund (SCCF)

زیست سالم نیز یکی از مصادیق حقوق بشری است و چنانچه این حق از سوی دولت‌ها مورد تجاوز قرار گیرد، دولت متخلف و متجاوز مکلف به جبران خسارت می‌باشد.

اسناد زیست‌محیطی نیز به طور مکرر، ضرورت جبران خسارت را اعلام داشته‌اند. اصل ۱۰ اعلامیه ريو اعلام می‌دارد: «دسترسی عملی به رسیدگی قضایی و اداری، شامل تظلم خواهی و جبران خسارت امکان پذیر خواهد بود.» دستور کار ۲۱ دولت‌ها و قانون‌گذاران را در جهت ایجاد رویه‌های قضایی و اداری برای دادخواهی جبران خسارت قانون و خسارت ناشی از اعمال تأثیرگذار بر محیط زیست که ممکن است غیرقانونی یا تجاوز به حقوق قانونی باشد، مورد خطاب قرار می‌دهد و امکان دسترسی گروه‌ها و سازمان‌ها را برای منافع قانونی شناخته شده آن‌ها فراهم می‌کند (گوندلینگو دیگران، ۱۳۸۱: ۳۱۶).

امروزه التزام به جبران خسارات زیست‌محیطی بر اساس قواعد عام مسؤولیت بین‌المللی به عنوان اصلی مبنایی در جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست مورد شناسایی واقع شده است. آنگونه که اصل ۲۲ و ۱۳ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ و ريو ۱۹۹۲ دولت‌ها را به «همکاری برای توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل در ارتباط با مسؤولیت و جبران خسارت برای قربانیان آلودگی و دیگر صدمات زیست‌محیطی» فرا می‌خواند (موسوی و قیاسیان، ۱۳۹۰: ۳۲۸). این همکاری بیان‌گر آن است که دولت‌ها باید در جبران خسارت برای قربانیان خسارات زیست‌محیطی مشارکت داشته و چنین حقی را برای اشخاص و افراد در سطح ملی و برای دولت‌های متضرر در سطح بین‌المللی قایل شوند.

قابل ذکر است که حق دسترسی به جبران خسارت، محدود به اتباع و شهروندان یک دولت نیست؛ بلکه اتباع دیگر کشورها که در سرزمین دولت متضرر زندگی می‌کنند و از خسارات زیست‌محیطی آسیب می‌بینند، می‌توانند طلب جبران خسارت بکنند. برخی از توافق‌های بین‌المللی، دارای التزامات عملی در مورد اعطای حق دسترسی به دادرسی قضایی و اداری برای اتباع بیگانه به طور برابر با شهروندان می‌باشند. دسترسی یکسان به وسایل جبران خسارت مورد ملاحظه در حقوق داخلی ابزاری بر اجرای اصل پرداخت توسط آلوده ساز است. اجرای حق دسترسی یکسان به وسایل جبران خسارت در حقوق داخلی نیازمند آن است که دولت‌ها موانع موجود در حیطه صلاحیت حقوق ملی را برطرف کنند یا با توجه به دیگر راه‌ها جبران خسارات مربوط به لطمات وارده به محیط زیست اقدامات متقاضی را به عمل آورده و همکاری نمایند (گوندلینگ و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۱۷).

شیوه‌های جبران خسارات در حقوق بین‌الملل محیط زیست عبارتند از: اعاده به وضعیت سابق، پرداخت غرامت و جلب رضایت زیان‌دیده. اعاده به وضعیت سابق و پرداخت غرامت در جایی است که خسارت مادی باشد، اما جلب رضایت زیان‌دیده در جایی است که خسارت از نوع معنوی بوده باشد. بناءً زمانی که خسارت مستقیماً به یک کشور یا سازمان بین‌المللی وارده آمده باشد، او حق دارد از کشور یا سازمان بین‌الملل متخلف بخواهد تا برای جبران خسارت وارده با انجام اقداماتی، رضایت خاطرش را جلب نماید. این اقدامات اشکال مختلفی دارد: اظهار تأسف، عذر خواهی رسمی، پذیرش نقض، اعمال نمادین مانند ادای احترام نظامی به پرچم یا اعزام نمایندگان ویژه برای شفاعت یا هر روش مناسب

دیگر. البته جلب رضایت باید با زیان وارده متناسب بوده و برای دولت مسؤول، تحقیر آمیز نباشد (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۲۴۶).

مشارکت و همکاری در برخورد از جبران خسارت در کنوانسیون‌های متعدد بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است که به عنوان نمونه برخی از این کنوانسیون‌ها را یاد آور می‌شویم.

کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص حقوق دریاها می‌گوید که دولت‌ها باید تضمین نمایند که جبران خسارت یا سایر طرق جبرانی در قبال صدمات ناشی از صدمات آلودگی محیط زیست دریایی توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی تحت صلاحیت قضایی آن‌ها باشد (بند ۲ ماده ۲۳۵، کنوانسیون حقوق دریاها) این بدان جهت است که دولت‌ها زمینه جبران خسارات زیست محیطی را سهل‌تر کرده و از این طریق جلوگیری از آلودگی دریاها تقویت گردد و تخریب محیط زیست کاهش یابد.

کنوانسیون بین‌المللی تأسیس صندوق بین‌المللی جبران خسارت برای خسارات ناشی از آلودگی نفتی در ۱۹۷۱ تصویب گردیده و به‌وسیله پروتکل‌های ۱۹۷۶ و ۱۹۹۲ اصلاح شده است. این کنوانسیون تحت حمایت سازمان بین‌المللی دریانوردی برای تضمین این است که پرداخت غرامت مناسب برای افرادی که از خسارت ایجاد شده به‌وسیله نشت آلودگی نفتی از کشتی‌ها رنج می‌برند بتوانند بر اساس این کنوانسیون غرامت مناسب ناشی از خسارات دریافت بکنند (گوندلینگ و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۹۶ در مورد مسؤولیت و جبران خسارت ناشی از خسارت در ارتباط با حمل و نقل مواد سمی و خطرناک از طریق دریا، به منظور تنظیم جبران خسارت برای قربانیان حوادثی که درگیر حمل و نقل مواد سمی و خطرناک هستند، تصویب گردیده است. کنوانسیون بین‌المللی دیگری در مورد مسؤولیت مدنی خسارات ناشی از آلودگی نفتی ذخایر در سال ۲۰۰۱ تصویب شده است. هدف این کنوانسیون تضمین اینست که پرداخت غرامت مناسب، سریع و مؤثر به افرادی صورت بگیرد که از خسارت ایجاد شده به‌وسیله نشت نفت زمانی که به عنوان سوخت در ذخایر کشتی‌ها حمل می‌شود، رنج می‌برند.

کنوانسیون جبران خسارت تکمیلی برای خسارات اتمی در سال ۱۹۹۷ تصویب گردید. هدف از این کنوانسیون ایجاد یک گروه دومی از پرداخت غرامت برای خسارات ناشی از یک حادثه اتمی است.

البته کنوانسیون‌های متعدد دیگری نیز در زمینه جبران خسارت وجود دارد که ذکر همه آن‌ها از محدود و گنجایش این مقاله بالا خواهد بود. بناءً ایجاد این همه کنوانسیون‌های بین‌المللی نمایان‌گر آنست که حق برخورداری اشخاص از جبران خسارت ناشی از آلودگی محیط زیست و دیگر خسارات زیست‌محیطی مورد توجه دولت‌ها بوده و تمایل به مشارکت جهانی در این زمینه دارند.

قانون محیط زیست افغانستان در ماده هفتاد سوم به مجازات و پرداخت جبران خسارت زیست‌محیطی پرداخته و در ماده هفتاد و چهارم تحت عنوان مطالبه اقدامات قانونی به اشخاص حق درخواست جبران خسارت را در نظر گرفته بیان می‌دارد: «شخصی که بالاتر تخریب یا آسیب به منابع طبیعی و محیط زیست یا تخلفات از احکام این قانون و سایر مقررات مربوط متضرر می‌گردد، می‌تواند خود یا نماینده قانونی وی و یا سایر اشخاص که دارای منفعت مشترک در قضیه اند اقدامات قانونی را

مطالبه نمایندند.» منظور از اقدامات قانونی همان طرح دعوا علیه متخلف و طلب جبران خسارت از شخص مذکور می‌باشد و چنانچه واژه شخص در این ماده ذکر گردیده است، این واژه اعم از اشخاص حقوقی و حکمی را شامل می‌گردد که می‌توانند مستقیماً یا توسط نماینده قانون خویش بالاثر ورود صدمه و خسارت زیست‌محیطی از شخص متخلف طلب جبران خسارت بنمایند. با توجه به محتوای این ماده طلب خسارت ممکن به صورت فردی باشد یا اینکه اشخاص دارای منفعت مشترک می‌توانند به شکل جمعی درخواست جبران خسارت بکنند. همچنان بند (۲) این ماده شخصی را که در نتیجه ارتکاب عمل یا غفلت موجب ورود خسارت به محیط زیست، تلف یا ایجاد خطر به منابع طبیعی یا محیط زیست گردد، مکلف جبران خسارت نموده است. همچنان، به گونه‌ای که ماده هفتاد و چهار این قانون شخص حکمی را برای درخواست جبران خسارت مجاز دانسته بود، به همین ترتیب به موجب ماده هفتاد و پنج در صورتی که شخص حکمی سبب تخریب یا آسیب به منابع طبیعی و محیط زیست گردد و از این طریق به شخص دیگر خسارتی وارد گردد، ممثل قانونی آن مسؤول بوده و مکلف به جبران خسارت می‌باشد. بناءً همانگونه که اشخاص حکمی برای درخواست جبران خسارت مجاز دانسته شده اند، برای پرداخت خسارات زیست‌محیطی نیز مکلف می‌باشند.

### مشارکت سازمان‌های عمومی و گروه‌ها در حفاظت از محیط زیست

سازمان‌های غیر دولتی (NGO) و گروه‌ها مانند اتحادیه‌های تجاری یا شرکت‌های تولیدی یک ابزار سازمان‌یافته مشارکت عمومی، در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی و حفاظت از محیط زیست هستند. مشابه فردی از اعضای عمومی، سازمان‌های غیر دولتی نیز ممکن است اطلاعات گردآوری کنند، در صد بر آیند که قانون‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهند و در تصمیمات مربوط به صدور جوازها یا پروژه‌های مصوب مداخله کنند و بر طبق قوانین زیست‌محیطی تذکریه یا یادداشت‌هایی صادر کنند. سازمان‌های غیردولتی اغلب به‌گونه مؤثرتر می‌توانند از حقوق مردم آگاهی یافته در اظهار نظر در مورد حفاظت از محیط زیست مشارکت نمایند (گوندلینگ و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۲۰). اصل هفدهم اعلامیه استکهلم بیان می‌دارد: «مؤسسات مناسب باید با دید بهبودی کیفیت محیط زیست، کار برنامه‌ریزی مدیریت و کنترل منابع محیط زیستی کشور را به عهده گیرند.» چنانچه قبلاً گفته شده یکی از راه‌های حفاظت از محیط زیست کنترل در مصرف منابع طبیعی به‌ویژه منابع تجدیدناپذیر، لذا برای اینکه منابع طبیعی و محیط زیست بکلی از بین نرود نیاز به استفاده روشمند، کنترل شده و منطقی دارد تا از یک سو نسل کنونی به کم بود منابع مواجه نگردد و از طرف حق نسل‌های آینده نادیده گرفته نشده و پامال نگردد. بدین ترتیب مؤسسات می‌توانند با برنامه ریزی‌های دقیق و متخصصانه شان نقش مهمی را در داخل کشورها برای حفاظت از محیط زیست ایفا نمایند. قابل یادآوری است آنچه‌ان که در عنوان این موضوع مشاهده می‌شود، گروه‌های مردمی یا مدنی نیز می‌توانند در حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی نقش داشته باشند. چنانچه اصل بیست و دوم اعلامیه ریو بیان می‌دارد: «مردم یک سرزمین و سازمان‌های وابسته به آن و نیز اتحادیه‌ها و تشکیلات و سازمان‌های محلی مردمی در خصوص محیط زیست و توسعه که

بر اساس تجربیات، سنت‌ها و عادات هر کشور بنا شده اند، نقش بسیار مؤثری را ایفا می‌کنند. دولت‌ها باید اندیشه، فرهنگ و خواست‌های آن‌ها را دریابند و مورد حمایت قرار دهند و زمینه همکاری مشترک جهت تحقق توسعه مستمر را فراهم سازند.» در اجلاس جهانی توسعه پایدار تحت عنوان بیانیه ژوهانسبورگ ۲۰۰۲، در بند ۲۷ آن دولت‌ها یک بار دیگر به شامل ساختن بخش خصوصی و شرکت‌ها در روند حفاظت از محیط زیست متعهد شده و بیان می‌دارند: «ما توافق می‌کنیم که بخش خصوصی شامل شرکت‌های بزرگ و کوچک با توجه به فعالیت‌های قانونی خود وظیفه دارند تا در توسعه مناسب و پاید جوامع مشارکت نمایند.» البته در متن این ماده هر چند لفظ صریح و واژه دقیق حفاظت از محیط زیست ذکر نگردیده اما از آنجا که یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار، توجه به محیط زیست می‌باشد، این ماده بیانگر تعهد و مشارکت شرکت‌های خصوصی در روند حفاظت از محیط زیست می‌باشد. در ماده ۲۹ این بیانیه دولت‌ها توافق می‌نمایند که شرکت‌های خصوصی را باید وادار به پاسخگویی نمایند. علاوه بر سازمان‌های عمومی و خصوصی داخلی اصل بیست و پنجم بیانیه استکهلم از مشارکت سازمان‌های بین‌المللی نیز سخن به میان آورده و بیان می‌دارد: «دولت‌ها تضمین خواهند کرد که سازمان‌های بین‌المللی نقش پویا و هماهنگی را بر حفاظت و بهبود محیط زیست بازی کنند.»

در سطح بین‌المللی، مشارکت سازمان‌های غیردولتی شامل بسیاری از توافق‌نامه‌های زیست‌محیطی نظیر ماده هفت کنوانسیون بین‌المللی تجارت گونه‌های جانوری و گیاهی وحشی در حال انقراض<sup>۱</sup> است. پروتکل مونترال (Montreal Protocol) فرآیند باز را در باره سازمان‌های غیر دولتی تأسیس می‌کند که به موجب آن هر نهاد یا مؤسسه داخلی یا بین‌المللی اعم از دولتی یا غیردولتی که فعالیت‌هایی در زمینه حمایت از لایه اوزون داشته و قصد خد را بری شرکت در اجلاس بین اعضا به عنوان ناظر به دبیرخانه سازمان غیردولتی اطلاع دهد، باید با شرکت وی در چنین اجلاسی موافقت شود، مگر اینکه حد اقل یک سوم اعضا با شرکت وی در آن اجلاس مخالفت کنند (گوندلینگ و دیگران، ۱۳۸۱: ۳۲۲). کمیسیون سازمان ملل متحد در خصوص توسعه پایدار، مشارکت صریح سازمان‌های غیردولتی را به موجب دستور کار ۲۱ تشویق کرده است. البته مقررات کنوانسیون‌ها متعددی بر مشارکت سازمان‌های عمومی و خصوصی در امر حفاظت از محیط زیست تأکید دارند که ذکر همه آن‌ها در اینجا ممکن نیست.

در سطح داخلی نیز سازمان‌ها و گروه‌ها می‌توانند در حفاظت از محیط زیست مشارکت داشته باشند. چنانچه ماده هفتم قانون محیط زیست افغانستان تحت عنوان حقوق اتباع، در بند (۲) این ماده برای اتباع خویش حق تأسیس قانونی نهادهای جامعه مدنی را که در راستای حمایت و حفاظت از محیط زیست فعالیت داشته باشند، به رسمت شناخته و بیان می‌دارد: «ایجاد و ثبت قانونی نهادهای جامعه مدنی که تنظیم دوامدار منابع طبیعی و حفاظت و احیای محیط زیست را حمایت می‌کند.» بناءً از محتوای این ماده چنین استنباط می‌شود که شهروندان با تأسیس سازمان‌های عمومی می‌توانند در حفاظت از محیط زیست مشارکت داشته باشند. همچنان در ماده دوازدهم بیان داشته است: «به‌منظور انسجام و هماهنگی امور محیط زیستی و تأمین اهداف و اصول بنیادی مندرج این قانون، کمیته

<sup>1</sup> Convention on International Trade in Endangered Species of Wild Fauna and Flora (CITES).



هماهنگی محیط زیستی مرکب از نمایندگان وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی ذیربط، شوراهای ولایتی و ولسوالی‌ها و نهادهای ملی تشکیل می‌گردد که در رأس آن رئیس عمومی اداره ملی حفاظت محیط زیست قرار دارد.» هرچند طبق ماده ششم قانون محیط زیست، حفاظت از محیط زیست بر عهده اداره ملی حفاظت محیط زیست که یک اداره دولتی می‌باشد، است؛ اما با توجه مواد فوق سازمان ملی و عمومی نیز می‌توانند در روند حفاظت از محیط زیست سهیم گرفته و مشارکت داشته باشند.

### نتیجه گیری

مشارکت از اصول مهم در حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌باشد. حقوق بین‌الملل محیط زیست در فرایند تدوین و توسعه آن مبتنی بر نقش فعال و گسترده اشخاص عمومی (دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و...) و اشخاص خصوصی (سازمان‌های غیر دولتی، زنان، جوانان و کودکان) بوده است. بدین معنی که حفاظت از محیط زیست تنها به شکل داخلی و یک جانبه توسط یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی ممکن نبوده و مستلزم مشارکت تمام کشورها، سازمان‌های بین‌المللی دولت و حتی نیازمند مشارکت سازمان‌های غیردولتی، زنان و جوانان می‌باشد. زمینه‌های لازم برای مشارکت در حفاظت از محیط زیست به اشکال مختلفی در سطح ملی و بین‌المللی متجلی می‌گردند که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: اولین مشارکت، مشارکت در امر تدوین و توسعه قوانین، که کشورها با شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی یک سلسله مقررات زیست‌محیطی را شکل داده و با تعهدات شان آنرا لازم‌الاجرا داشته و سپس تا حد ممکن این مقررات را در قوانین ملی شان گنجانیده و توسعه دهند. موارد دیگری از مشارکت عبارتند از، مشارکت در اطلاع دهی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی، مشارکت انتقال علوم و فن‌آوری، مشارکت مالی کشورهای توسعه‌یافته در جهت بهبود محیط زیست در کشورهای در حال توسعه، مشارکت در برخورداری از جبران خسارت و توسل به مراجع قضایی و از موارد مهم مشارکت، اشتراک سازمان‌های عمومی و گروه‌ها در حفاظت از محیط زیست می‌باشد که علاوه بر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی (NGO) یا سازمان‌های مردم نهاد (سمن) نیز نقش برجسته در فرایند حفاظت از محیط زیست دارند. در سطح داخلی نیز به منظور حفاظت از محیط زیست و مشارکت زمینه تدوین و توسعه قوانین، قانون محیط زیست توسط دولت افغانستان تدوین و تصویب گردیده است و این قانون حاوی مواد مهم در مورد حفاظت از محیط زیست می‌باشد. قانون محیط زیست افغانستان اصل وظیفه حفاظت از محیط زیست را بردوش نهاد دولتی اداره حفاظت محیط زیست گذاشته در کنار آن برای اتباع حق تأسیس نهادهای جامعه مدنی و دیگر نهادهای که در راستی حفاظت از محیط زیست مشارکت و همکاری بنمایند را اعطاء نموده است. همچنان این قانون حق برخورداری از جبران خسارت را بصورت فردی و مشارکت اعم برای اشخاص حقیقی و حقوقی به رسمیت شناخته است. باید یادآورد شد که قانون محیط‌زیست افغانستان تا حدود زیادی منعکس کننده قواعد بین‌المللی راجع به حفاظت از محیط‌زیست می‌باشد. فقط در مورد مشارکت و حمایت‌های مالی برای سایر کشورها، قانون محیط‌زیست افغانستان هیچ‌گونه تصریحی نداشته و به نظر می‌رسد که این امر

ناشی از آن بوده است که افغانستان خود در زمره کشورهای در حال توسعه و جهانی سومی بوده که در ردیف کشورهای دریافت‌کننده حمایت‌های مالی در جهت حفاظت از محیط‌زیست قرار گرفته است.

## منابع و مأخذ:

## الف) قرآنکریم

## ب) کتابها و مقالات

۱. بصیر، عباس (۱۳۹۶) مدیریت جامع محیط زیست از منظر حقوق بین الملل. کابل: دانشگاه کاتب، چاپ دوم.
۲. پورهایمی، سیدعباس، بهاره ارغند (۱۳۹۲) حقوق بین الملل محیط زیست، تهران: نشر دادگستر، چاپ اول.
۳. تقی زاده، محمد (پاییز ۱۳۸۲) جهان بینی و حفاظت از محیط زیست، تهران: نامه فرهنگستان علوم.
۴. جباری، حبیب (۱۳۷۸) مشارکت و توسعه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی وزارت کشور ایران.
۵. دفتر آموزشی و مشارکت مردمی حفاظت از محیط زیست (۱۳۹۹) جزوه آموزشی آشنایی با حقوق محیط زیست ویژه قضات دادگستری.
۶. رضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۸۸) مشارکت و نقش زنان در حقوق بین الملل محیط زیست، مجله مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان.
۷. رضانی قوام آبادی، محمدحسین (۱۳۸۹) بررسی اصل محتوای مشارکت در حقوق بین الملل محیط زیست، فصلنامه پژوهش حقوق، شماره ۲۹.
۸. شاهنوری، معصومه، محمدی، مهشید شلمانی، پیروی، شیوا (۱۳۹۷) بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت در حفاظت از محیط زیست، ژورنال مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار.
۹. کوروکولاسوریا، لال (۱۳۹۰) مبانی حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه: سیدمحمد مهدی حسینی، تهران: نشر میزان.
۱۰. کیس، الکساندر (۱۳۹۲) حقوق محیط زیست، مترجم: محمدحسن حبیبی، ج اول، تهران: دانشگاه تهران.
۱۱. گوندلینگ، لوتار، هویسمان، جی. دلبیو، هلپاپ، ای.ای و دیگران (۱۳۸۱) حقوق محیط زیست، مترجم: محمدحسن حبیبی، ج دوم، تهران: دانشگاه تهران.
۱۲. محسنی، منوچهر، جاراللهی، عذرا (۱۳۸۲) مشارکت اجتماعی در ایران، تهران.
۱۳. موسوی، سیدافضل، قیاسیان، فهیمه (بهار ۱۳۹۰) جبران خسارت زیست محیطی در حقوق بین الملل، فصلنامه حقوق، شماره ۱.
۱۴. نیازی، محسن (۱۳۸۳) تاملی در مورد رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و مشارکت اجتماعی در شهرکاشان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳.
۱۵. هرسینی، سارا (۱۳۹۸) محیط زیست و تاریخچه رابطه آن با انسان، مجله وبگردی.
۱۶. یوسفی، پورینگر، عباسی (۱۳۹۴) اصول حقوقی حاکم بر محیط زیست در حقوق بین الملل، شیراز، ایران: مؤسسه عالی علوم و فناوری خوارزمی.

### ج) قوانین

۱۷. قانون محیط زیست افغانستان (۱۳۸۵)

۱۸. کود جزای افغانستان (۱۳۹۶)

19. United Nations Conference on the Human and Environment (Stockholm Declaration) , Stockholm, 1972.
20. United Nations Conference on Environment and Development Declaration, Rio, 1992.
21. World Summit On Sustainable Development, Johannesburg, 2002.